

مقدمه

آدمی همواره چشم به آینده دوخته است و چیزی را می جوید که بالفعل نزد او حاضر نیست. بشر بی آینده، مأیوس و سرخورده است. گویی خود را از موهبت عالمی بهتر و روشن تر محروم می سازد و عملاً از استعدادها و امکانات آتی به دور می ماند. از سوی دیگر، ظلم، ستم و بی عدالتی عده‌ای از انسان‌ها توسط عده‌ای دیگر، همواره خرد انسانی را مشغول این فکر کرده است که آیا وضعیت به همین گونه خواهد بود؟ انسان‌ها همواره در طول تاریخ به فراخور خرد و دین خود، در انتظار و آرزومند این بوده‌اند که بالاخره مسائل و مشکلات آنان، روزی پایان می‌یابد. شاید نتوان در میان ادیان و آیین‌های موجود، نمونه‌ای را یافت که از امید به آینده و تحولات آن تهی باشد و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، به اصلاح و بهبود وضع بشر و تحقق آرمان‌های وی در آینده‌ای دور یا نزدیک، نظر نداشته باشد. از جمله مشترکات ادیان ابراهیمی، امید به فرارسیدن روزی است که به منزله نقطه‌آرمانی و عدالت خواهانه بشر تلقی می‌گردد؛ روزی که سرانجام حق بر باطل غلبه خواهد کرد و انسان‌ها از گرفتاری‌ها رها می‌شوند. همین امید است که انسان دین‌مدار را تشویق به نیکوکاری و گسترش عدالت در زندگی فردی و اجتماعی می‌کند و زمینه‌های خیرخواهی و امیدواری را در جوامع بسط می‌دهد.

از سوی دیگر، یافتن مفاهیم مشترک می‌تواند اساس گفت‌وگوی شریع الهی و زمینه‌ای برای رفع سوء تفاهم‌ها و دستیابی به نقاط مشترک باشد. رسیدن به این تفاهم، سنگ‌بنای تلاش مشترک معتقدان ادیان الهی برای ساخت دنیای بهتری است که در آن صلح و آرامش حقیقی برقرار است. از این رهگذر، این پژوهش بر آن است که در پرتو بررسی معنا و مفهوم امید در قرآن کریم و عهد جدید و نیز تفاسیر مرتبط با آنها، مبانی مشترک و مورد اختلاف اسلام و مسیحیت را در این موضوع کشف نموده تا بدین وسیله، به تعارف مبنایی تعالیم ادیان در راستای تفاهم پیروان ادیان کمک کرده باشد.

۱. واژه‌شناسی

«امید»، در زبان عربی مترادف با «رجا» و در زبان انگلیسی به کلمه «Hope» ترجمه شده است. در زبان عربی، «رجا» یعنی امید داشتن و انتظار امری محبوب و پسندیده، که اکثر اسباب و موجبات آن نیز، محقق باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴؛ ذیل ریشه کلمه). در قاموس کتاب مقدس، امید به معنای آرزو و انتظار از برای چیزهای نیک و مقاصد پسندیده است (هاکس، ۱۳۷۷، ذیل عنوان امید). در اصطلاح علم اخلاق نیز به راحتی و لذتی که از انتظار تحقق امری محبوب، در قلب حاصل می‌شود امید می‌گویند (نراقی، ۱۳۸۳، ۱۵۶).

ماهیت امید؛

مقایسه‌ای تطبیقی بین اسلام و مسیحیت

کگزرها محققان* / اعظم پرچم**

چکیده

امید، سرمایه اصلی حیات آدمی است. کسی که به آینده امیدوار است، احساس می‌کند همه چیز دارد؛ چراکه خوشبختی واقعی و سعادت جاودان در احساس آرامش، امید و مطلوب‌اندیشی است. کسی که از آرامش روان بهره‌ای ندارد، با ناامنی روانی، دغدغه‌خاطر و وسوسه‌های فزون‌خواهانه، در اوج قدرت مادی نیز اندک توشه‌ای هم ندارد.

در میان تعالیم ادیان آسمانی، شاید نتوان نمونه‌ای را یافت که از امید به آینده و تحولات آن تهی بوده و به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به اصلاح و بهبود وضع بشر و تحقق آرمان‌های وی در آینده نظری نداشته باشد. ادیان آسمانی و با منشأ وحیانی در این خصوص، بسیار برجسته‌تر از سایر آیین‌ها به این معنا توجه داشته‌اند و بسیاری از معتقدات دینی پیروان آنها با این معنا ارتباط می‌یابد.

این نوشتار به‌طور خاص به نحوه انعکاس مفهوم «امید»، در متون دینی اسلام و مسیحیت پرداخته و برآن است که مختصات کلی این آموزه را در این متون ترسیم نماید تا زمینه‌ای برای نزدیکی هرچه بیشتر ادیان به یکدیگر را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: امید، قرآن، عهد جدید، هدف.

به طور کلی مفهوم «امید» (در لایه مثبت و منفی)، از راه کلیدواژه‌های دیگری همچون طمع (تمایل نفس از روی آرزوی شدید به چیزی خارج از دسترس انسان)، امل (آرزویی که انتظاری طولانی در آن وجود دارد) و تمنی (میل به حصول امری همراه با تقدیر و اندازه‌گیری آن) نیز قابل پی‌گیری است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴؛ ذیل ریشه کلمه). در میان واژگان فوق، تنها در واژه «رجا» است که فرد امیدوار در راه رسیدن به امیدش، کار و تلاش می‌کند و موجبات رسیدن به امر محبوب را فراهم می‌آورد. در صورتی که در سه واژه دیگر، تنها امید رسیدن به امر محبوب را دارد، بدون اینکه خود را برای حصول به آن، آماده و مهیا گرداند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۴۴؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۶۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۳۴۱).

۲. امید در عهد جدید

کتاب مقدس به «امید» توجه خاصی نموده و برای آن در زندگی یک فرد مسیحی، نقش خاصی قائل شده است. در کتاب مقدس، از دو واژه «امید» و «انتظار» برای رساندن معنای امید استفاده شده است: «بلی برای ما مکتوب است که شخم‌کننده می‌باید به امید شخم نماید و خوردکننده خرمن نیز، باید در امید یافتن قسمت خود باشد» (قورنثیان ۱۰:۹). بنابراین، امید با انتظار به دست می‌آید؛ انتظاری که سرمنشأ برکاتی است که آرامش و نجات را در پی دارد؛ برکاتی که هم در دنیا و هم در آخرت با آدمی است. از سوی دیگر، متکلمان و الهی‌دانان مسیحی از هفت فضیلت اصلی نام برده‌اند: چهار فضیلت انسانی و طبیعی (مصلحت‌اندیشی، بردباری، اعتدال و عدالت) و سه فضیلت الهیاتی (ایمان، امید و محبت). این سه فضیلت الهیاتی، مستند به عهد جدید است (قربانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴). بنابراین، امید در الهیات مسیحی، یکی از سه عنصر اصلی شخصیت مسیحی و خداپسندانه را تشکیل می‌دهد: «سه چیز همیشه باقی خواهد ماند: ایمان، امید و محبت» (قورنثیان ۱۳: ۱۳).

یکی از عقاید محوری در عهد جدید، این است که ما انسان‌ها فراخوانده شده‌ایم که به خداوند، ایمان، باور و امید داشته باشیم، بر او تکیه کنیم، به او، اعتماد بورزیم و تنها به او اطمینان داشته باشیم در حقیقت، باور به خداوند و اطمینان به او همراه با عمل به رفتارهای اخلاقی و عقلانی، تضمینی برای بهبود اوضاع زندگی انسان شمرده می‌شود (لیون دوفر الیسوعی، ۱۹۸۶، ذیل رجا). اگر شخصی به فردی اعتماد کند، در این صورت، طبعاً گفته‌های او را می‌پذیرد، خواسته‌های او را انجام می‌دهد، به اشکال گوناگون با او راز و نیاز می‌کند، امیدوارانه چشم به وعده‌هایش می‌دوزد، اتحاد با او را تجربه می‌کند و... (پلاتینجا، ۱۳۸۱، ص ۳۳) و این همه تجلی واقعی آن اعتماد خواهد بود. از این رو، می‌توان گفت: در

دیدگاه عهد جدید، امید ریشه در ایمان و اعتماد به خداوند دارد. وصول بدان مشروط به صبر و محبت است (لیون دوفر الیسوعی، ۱۹۸۶، ذیل رجا)، که امری نسبتاً دشوار می‌نماید؛ زیرا هنگامی که محبت، مبدأ احساسات نفسانی گردید و در باطن آدمی عمیقاً ریشه دوانید، تمایل خاصی را برمی‌انگیزاند که فرد، داوطلبانه با علاقه و شور فراوان برای انجام کارهای نیک و خدمت به اجتماع آماده می‌شود. دیگر اینکه، عناد و بدخواهی و طغیان و سرکشی، همچنین ناامیدی و افسردگی در افراد ریشه‌دار نمی‌شود، بلکه متزلزل و ناپایدار خواهد بود؛ زیرا هیچ چیز بهتر از این سرمایه‌گرانقدر برای از بین بردن پلیدی‌های نفس توانایی ندارد.

بنابراین، تنها رجا و امیدی که ریشه در اعتماد به خداوند دارد، می‌تواند به کل حیات و زندگی انسان تحرک و پویایی بخشد و او را به سوی آینده‌ای سعادت‌مند که تمامی بشریت به سوی آن خوانده می‌شوند، سوق دهد: «ایمان خود را حفظ نمایید؛ زیرا اگر چنین کنید، همیشه با خدای پدر و فرزندش، رابطه‌ای نزدیک خواهید داشت و زندگی جاوید که او وعده داده است، نصیب شما خواهد شد» (یوحنا ۲: ۲۵-۲۴).

اما اگر شخص از امید بی‌بهره باشد، عوامل ناراحتی در کانون جانش نفوذ می‌کنند و او را دچار یأس و خودباختگی می‌سازند. کسی که از سرمایه امید بهره‌ای ندارد، در برابر عوامل نامساعد طبیعت به سختی آسیب‌پذیر است و به دلیل نداشتن پشتوانه‌ای محکم چون ایمان، خود را اسیر طبیعت و محکوم قوای قهار آن می‌داند. اگر در نخستین صحنه نبرد با مصائب و دشواری‌ها عقب‌نشینی نکند، سرانجام در نقطه مخوف حمله امواج خروشان حوادث روزگار، در گرداب ژرف و عمیقی فرو خواهد رفت. چنین فردی هرگز برای محبت به دیگران، انگیزه‌ای نخواهد داشت و هیچ تلاشی برای رفع نواقص و کمبودهای دیگران نمی‌کند و به‌زودی در باتلاق ناامیدی و افسردگی همیشگی سرنگون خواهد شد. اما کسی که متکی به امید است، با استمداد از نیروی ایمانش، معتقد است رنج‌های خارج از اختیار انسان، از جانب پروردگار مهربان و برای تطهیر قلب و تهذیب روحش مقدر گردیده است، به همین دلیل، هرگز اجازه نمی‌دهد که مصائب و مشکلات، قدرت روحی او را فلج کنند، بلکه در هر شرایطی متانت خود را همچنان حفظ خواهد کرد و کشتی وجود خود را در هر حادثه‌ای با استمداد از نیروی لایزال الهی، به ساحل آرامش و صفا و موفقیت و سعادت می‌رساند و حتی با سنگینی بار رنج‌ها، کامیابی‌ها و لذت‌های روحی او افزایش خواهد یافت. چنین فردی با گسترش محبت و نیکی میان مردم و تلاش برای خوشبختی آنها، نفس امید را رشد می‌دهد و با خیرات و برکات اخلاقی و عملی آن را اعتلا می‌بخشد.

البته مفهوم «امید» در عهد جدید، با مفاهیم و اصطلاحات دیگری نظیر «ملکوت»، «نجات»، «رستگاری»، «آمرزیدگی» و «منجی‌گرایی» پیوند یافته است. به‌گونه‌ای که در هنگام بحث در زمینه امید، خواننده‌خواه از دیگر مفاهیم نیز سخن به میان می‌آید که بنا به گنجایش پژوهش، هریک از مباحث فوق تبیین گردیده‌اند. در واقع، زمینه اصلی امید، هم به وجه روحی و آرمان‌خواهی بشر باز می‌گردد و هم به تعالیم و آموزه‌هایی که در متون دینی ادیان الهی انعکاس یافته است.

استناد اصلی ما در اینجا، متن عهد جدید و برخی آثار معتبر محققان غربی در این زمینه است که در چهار بخش مجزا ارائه گردیده‌اند: اناجیل سه‌گانه (متی، مرقس و لوقا)، تفکرات یوحنا، اندیشه‌های پولس و فرقه‌های مسیحیت و اندیشه علمای متأخر. علت این تقسیم‌بندی، این است که این مجموعه به لحاظ الهیاتی یکنواخت نیست. در واقع، از این مجموعه دو نظام الهیاتی کاملاً متفاوت را می‌توان برداشت کرد: الهیات سه انجیل متی، مرقس و لوقا، که اناجیل همنوا خوانده می‌شوند و نیز برخی از نوشته‌های دیگر، همگی همسو با تعالیم یهودیت و عهد قدیم است. در این بخش، عیسی، مخلوق خدا و بنده او و یک انسان صرف است که از سوی خداوند به پیامبری مبعوث شده است. مطابق این بخش، از آنجاکه سقوطی رخ نداده، آدمی به هدایت و راهنمایی نیاز دارد، نه منجی آسمانی. اما در بخش دیگر از عهد جدید، وضعیت آدمی به‌گونه‌ای است که حتماً به موجودی آسمانی نیاز دارد که به زمین بیاید و خود را فدا کند تا نجات را برای او تسهیل نماید. بنابراین، در این بخش، عیسی علیه السلام، موجودی الهی و غیرمخلوق و ازلی است که جسم گرفته تا با رنج خود، انسان را از وضعیت اسفبار خود نجات دهد و امید را در او ایجاد نماید (استید، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲).

الف. اناجیل سه‌گانه همسو

اناجیل سه‌گانه یا همسو، حاوی تعالیم عیسی علیه السلام پیرامون القای روح امید در مردم است. اساسی‌ترین محور امیدبخش یا متعلق اصلی امید در این تعالیم، که در راستای تکمیل امید شریعت یهود نیز می‌باشد، وعده فرارسیدن ملکوت است که مرتبط با هدفمندی حیات بشر و در راستای زندگانی اخروی اوست. در انجیل متی آمده است: «هرگاه به خاطر من، شما را ناسزا گفته و آزار رسانند و به شما تهمت زنند، شاد باشید. بلی، خوشی و شادی نمایید؛ زیرا ملکوت نزدیک است» (متی: ۵: ۱۱-۱۲). در جایی دیگر، علاوه بر آنکه سختی‌ها، آزمایش ایمان شمرده می‌شود، امیدداشتن، نوعی شرکت در رنج و زحمت مسیح تلقی می‌گردد:

ای عزیزان! از آزمایش‌ها و سختی‌هایی که گریبانگیر شماست، حیران و متعجب نباشید و فکر نکنید که امری غریب بر شما واقع شده است؛ زیرا این مصائب برای آزمایش ایمان شماست. امیدوار باشید که به این طریق می‌توانید در رنج و زحمت مسیح، شریک شوید و در روز بازگشت پر جلال او (ملکوت)، امید شما کامل خواهد شد (پطرس: ۴: ۱۳).

به همین دلیل، عیسی علیه السلام یکی از اهداف رسالت خود را بشارت به قرب ملکوت اعلام می‌دارد و از مردم می‌خواهد که برای وارد شدن به ملکوت و دستیابی بدین امید والا تلاش کنند.

این آموزه، که در اناجیل سه‌گانه، بسیار تکرار شده، گاه به خداوند اسناد داده می‌شود و از آن خداست (متی: ۴: ۱۷)، گاه ملکوت آسمان (متی: ۵: ۳) و گاه نیز ملکوت خود عیسی مسیح است (متی: ۱۶: ۲۸). البته ملکوت، معانی گوناگونی دارد: «آسمان یعنی ارتباط با عرش و ملأ‌اعلی» (متی: ۵: ۱۷-۱۹)، رجعت ثانوی مسیح (متی: ۱۶: ۲۷) و... اما از آنجاکه حقیقتی روحانی است و تنها بواسطه ایمان می‌توان بدان رسید (لیون دوفر الیسوعی، ۱۹۸۶، ص ۳۷۱)، بخش عمده معنای آن، در اناجیل سه‌گانه، واقع در عالم غیب است و تنها با بصیرت قابل مشاهده است (استید، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳).

اما مسئله مهم در شناخت امید، توجه به وقایع ملکوت در اناجیل است که بیشتر به زبان تمثیل بیان گردیده‌اند و شامل جدایی خوبان از بدان در آخرالزمان (متی، ۱۳: ۲۴-۳۰؛ ۱۳: ۴۳-۴۶) و دادن جزای انسان‌ها مطابق با اعمال ایشان (متی، ۱۸: ۲۳-۳۵) می‌شود. از نشانه‌های وقوع ملکوت در وجود عیسی علیه السلام (لوقا ۱۱: ۳۲-۲۹)، معجزاتی بود که توسط او همراه بیان آن نشانه‌ها، رخ می‌داد؛ زیرا به دنبال آن، تسلط ابلیس از بین می‌رفته و ارواح ناپاک خارج می‌شده‌اند (متی: ۱۲: ۲۷-۲۸). پس، وظیفه یک شخص مسیحی است که بدان امید و ایمان داشته باشد تا هدایت شود (مرقس: ۱: ۱۵).

اما در بیان چگونگی رسیدن به این امید (ملکوت) و در جریان آماده‌سازی مردم برای وقوع آن، حضرت عیسی اولین چیزی که از مردم می‌خواهد این است که از گناهان گذشته توبه و به سوی خدا بازگردند: «از گناهان خود توبه کنید و نزد خدا بازگشت کنید، زیرا ملکوت خدا نزدیک شده است» (متی، ۴: ۱۷). دیگر آثار چنین امیدی عبارتند از: پاک‌سازی خویشتن (پطرس: ۴: ۷)، خویشتنداری و پرهیز از گناهان (متی: ۱۸: ۵؛ پطرس: ۱: ۱۳-۱۴)، تواضع و فروتنی (متی: ۱۸: ۴)، عدم دلبستگی به مظاهر زندگی دنیوی (متی: ۱۹: ۲۳)، رهایی از شهوات و خوش‌گذرانی‌های گناه‌آلود (پطرس: ۲: ۱۲)، بهره‌مندی از صفات و مظاهر الهی حضرت عیسی (پطرس: ۱: ۴) و... همچنین این امید، آدمی را به سوی صبر (یعقوب: ۵: ۷-۹؛ متی: ۵: ۱۲)، ارتباط با خالق (دعا) (یعقوب: ۵: ۱۶) و نیز ارتباط با خلق (محبت) سوق می‌دهد (پطرس: ۴: ۹-۷؛ لوقا: ۳: ۳۵). از این رو، برای آدمی همچون لنگری است که به هنگام هجوم طوفان‌های سهمگین زندگی، او را ثابت و

استوار نگه می‌دارد و در پرتو ایجاد و تقویت روح امید در نهاد انسان، نشاط و طراوتی عمیق و راستین، سراسر زندگانی آدمی را دربر می‌گیرد:

خداوند به ما وعده کمک داده و در مورد آن، قسم نیز خورده است. پس ما می‌توانیم در مورد این دو عامل، وعده و قسم، امید داشته باشیم... امید کاملی که ما به نجات خود داریم، برای جان ما همچون لنگری است نیرومند که به هنگام طوفان‌ها ما را ثابت نگه می‌دارد و رابطه ما را با خدا حفظ می‌کند... مسیح جلوتر از ما وارد این جایگاه شده تا در مقام کاهن اعظم، همپایه ملک صادق، برای ما شفاعت کند (عبرانیان ۷: ۱۸-۲۰).

ب. تعالیم یوحنا پیرامون امید

امید به خداوند و انتظار بازگشت به سوی او، یکی از مهم‌ترین تعالیم یوحنا برای القای روح امید در میان مردم است: «خاطراتان آسوده باشد. شما که به خدا امید دارید، به من نیز امید داشته باشید. نزد پدر من خدا، جا بسیار است. من می‌روم تا آنجا را برای شما آماده کنم، وقتی همه چیز آماده شد، بازخواهم گشت و شما را خواهم برد تا جایی که من هستم، شما نیز باشید» (یوحنا ۱۴: ۳). بنابراین، یوحنا همواره می‌کوشد تا از طریق تقویت روح امید در میان مردم، ایشان را به زندگی جاوید و برخورداری از مزایای آن رهنمون سازد. اما نکته حایز اهمیت در تعالیم یوحنا این است که مسیح، عامل ایجاد امید است و هرکس به خداوند امید دارد، باید به مسیح نیز امید داشته باشد. در بخشی از انجیل چنین آمده: «خواست خداوند چنین است که هرکس فرزند او را دید و به او ایمان آورد و امید بست، از همان وقت زندگی جاوید بیابد و من در روز قیامت او را زنده کنم» (یوحنا ۶: ۳۹-۴۰). این عبارت یوحنا می‌رساند که مسیح، سرچشمه امید برای تمام موجودات زنده است؛ چراکه با امید داشتن به او، زندگی جاوید و آرامش ابدی از همان لحظه برای آدمی هویدا می‌گردد: «شهادت خداوند این است که او به ما حیات و زندگی جاوید عطا کرده و این حیات در فرزند او، عیسی مسیح است. پس روشن است که هرکس، مسیح را دارد به این حیات، از هم‌اکنون دسترسی دارد، اما هرکه مسیح را ندارد، از این حیات بی‌بهره خواهد ماند» (یوحنا: ۱۱-۱۳؛ میلر، ۱۳۱۹، ص ۳). در حقیقت، حیات‌بخشی مسیح به تمام موجودات به مفهوم فدا و واقعه رستاخیز او از مردگان اتکا دارد که برای نجات مردم، به صلیب آویخته شد و مجازات گناهان بشر را تحمل نمود (اول یوحنا ۹: ۵؛ رومیان ۵: ۸؛ اول قرنتیان ۵: ۷). این فداکاری او، نوعی تقارن و توازن با حیات بخشیدن به ایمان‌داران و ایجاد امید دوباره در ایشان دارد (والوورد، بی‌تا، ص ۱۶۷).

اما از آثار و کارکردهای چنین امیدی، تقویت روح محبت و احسان به سایرین است: «اگر به خداوند امید داریم و او را دوست می‌داریم، باید حکم او را نیز اطاعت کنیم و حکم او از ابتدا این بوده

که به یکدیگر محبت نماییم» (یوحنا: ۶). به همین دلیل، کسی که به مسیح امید دارد، محبت او به سایرین نیز بیشتر و کامل‌تر می‌شود (یوحنا: ۱۹) و در روز داوری، نه تنها ناامید و شرمنده نخواهد بود، بلکه با روحی سرشار از امید در پیشگاه او حاضر خواهد شد (یوحنا: ۱۸: ۴-۱۷) درحالی‌که کسانی که به او امید ندارند، چون به خداوند که فرستاننده اوست امید ندارند، از هم‌اکنون در محکومیت و تاریکی بسر می‌برند و فرجامی جز تباهی و ناامیدی نخواهند داشت (یوحنا: ۳: ۱۴).

ج. تعالیم پولس پیرامون امید

در تعالیم پولس، محور اساسی تمامی تعالیم و نیز متعلق اصلی امید، فرارسیدن ملکوت و دستیابی به آرامش ابدی و حیات جاودان است با این تفاوت که در کلام پولس، مالکیت ملکوت تنها از آن خداوند نیست، چنان‌که از آن مسیح هم نمی‌باشد، بلکه ملکوت برای هر دو، یعنی خداوند و مسیح است (محمد یاسین، بی‌تا، ص ۱۴۸). به همین دلیل، امید به آن، تنها راه نجات آدمی محسوب می‌گردد.

اما پولس، ماهیت و چیستی ملکوت را بدین‌گونه بیان می‌کند: «هدف زندگی ما مسیحیان، خوردن و آشامیدن نیست، بلکه بهره‌مند شدن از نیکی، آرامش و شادی است که روح‌القدس عطا می‌کند» (رومیان، ۱۵: ۱۷). از این رو، ملکوت مکانی است که خدا آن را برای کسانی که ویژگی‌ها و صفات وارثان ملکوت را در خود رشد دهند، آماده نموده است. در واقع، آنچه را که پولس از ویژگی‌های ملکوت به‌عنوان مکان ذکر می‌کند، همان صفات بهشتی است که خداوند برای بندگان مؤمن خود آماده ساخته است. شاید معنای اصلی ملکوت در کلام پولس، همان مُلک و مملکت باشد که از آن خداوند و عیسی مسیح است و از دیگر معانی ملکوت که در اناجیل ذکر شده، سخنی به میان نمی‌آورد.

از سوی دیگر، از منظر پولس، خداوند که سرچشمه تمامی امیدهاست (قرنتیان ۱۳: ۱۱)، برای نجات انسان گناهکار و دخول او در ملکوت، چاره‌ای ندید جز اینکه خود را به صورت عیسی ﷺ مجسم کند تا بتواند مستقیماً به هدایت و ارشاد انسان‌ها همت گمارد و خانه امید آنها را از نو پایه‌ریزی کند. البته رسیدن به این هدف، فرایندی است که نظم و روش ویژه‌ای دارد و باید مراحل زیر طی شود: ۱. برگزیدگی: طبق نظر پولس، خداوند به‌سبب محبت خود، نه نیکی بندگان، برخی از مردم را جدا ساخته و آنها را برای حیات ابدی معین فرموده است (واتسون و دیگران، ۱۲۹۸، ص ۱۳۷)؛ زیرا در پیشگاه او همه فاسد و گناهکارند (رومیان ۳: ۲۳-۲۴؛ رومیان ۱۱: ۶۷؛ تیسین، بی‌تا، ص ۲۴۵). ۲. دعوت: هدف از دعوت الهی این است که ما انسان‌ها از گذشته خود توبه کنیم (اعمال ۲: ۳۸) و به خدای یگانه ایمان بیاوریم (رومیان ۱۰: ۹) و تنها به او امید داشته باشیم تا در سایه این دو، اصلاح شده، کارهای خوب انجام دهیم و به نجات و

اما مشوق و محرک این امید پولس و آنچه موجب تحکیم آن در انسان می‌گردد، یادآوری محبت مسیح به انسان‌هاست:

محبت خود را در ما ثابت می‌کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. پس چقدر بیشتر الآن که به خون او عادل شمرده شدیم، به وسیله او از غضب نجات خواهیم یافت؛ زیرا اگر در حالی که دشمن بودیم، به وساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن به وساطت حیات او نجات خواهیم یافت و نه همین فقط، بلکه در خدا هم فخر می‌کنیم به وسیله خداوند ما عیسی مسیح که به وساطت او الآن صلح یافته‌ایم (رومه ۵: ۱۱-۸).

با ملاحظه محبت مسیح به انسان‌ها، سایر آمال و آرزوهای دنیوی ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهند: «اما آنچه مرا سود می‌بود، آن را به‌خاطر مسیح زیان دانستم، بلکه همه چیز را زیان کردم و فاصله شمردم تا مسیح را دریابم» (فیلیپی ۳: ۸-۷) و آرامش مورد انتظار از همین اکنون در نهاد انسان شکل می‌گیرد (قرنیتان ۳: ۱۸) و با امید دستیابی به زندگی جاوید، تمامی رنج‌ها فراموش و یا قابل تحمل می‌شوند (قرنیتان ۴: ۱۸). در کل چنان امید، نشاط و طراوتی در زندگی انسان ایجاد می‌گردد که با هیچ چیز قابل مقایسه نیست؛ زیرا آدمی امیدوار است پاداشش را از مسیح دریافت کند. بنابراین، «ما با امید نجات یافته ایم و امید یعنی انتظار دریافت چیزی که هنوز نداریم. پس وقتی برای دریافت چیزی که هنوز رخ نداده، به خداوند امیدواریم، باید با صبر و حوصله منتظر آن بمانیم» (رومان ۸: ۲۵-۲۴).

پس طبق تعالیم پولس، متعلق اصلی امید، ملکوت و دستیابی به حیات جاودان است که به‌واسطه ایمان به مسیح، انتظار، صبر و حوصله تحقق می‌یابد. مشوق و محرک این امید و آنچه سبب تحکیم آن در درون آدمی می‌گردد، یادآوری لطف الهی به انسان‌ها و محبت مسیح به آنهاست.

د. تفکرات اندیشمندان مسیحی پیرامون امید

مفهوم «امید» به‌واسطه تعالیم عیسی علیه السلام و نیز اعتقادات پولس، در فرقه‌های مسیحیت و اندیشه‌های علمای آنها به‌گونه‌هایی متفاوت بیان شده است. برخی محققان کاتولیک، آمرزیدگی و ایجاد امید دوباره در بشر را، به‌معنای عادل شدن و بیشتر محققان پروتستان آن را به‌معنای عادل شمردن می‌دانند؛ یعنی نوعی حالت بیرونی که به نوعی تیرئه اشاره دارد، نه نوعی ویژگی درونی که به مفهوم اخلاقی عدالت اشاره داشته باشد (تونی لین، ۱۳۸۶، ص ۳۶۰؛ مفتاح، ۱۳۸۵).

همان‌گونه که گذشت، امید در الهیات مسیحی به‌عنوان یکی از سه فضیلت الهیاتی، دارای نقشی محوری است و یکی از سه عنصر اصلی شخصیت مسیحی و خداپسندانه را تشکیل می‌دهد: «سه چیز همیشه باقی خواهد ماند: ایمان، امید و محبت یا عشق» (قرنیتان ۱۳: ۱۳). گرچه الهیات به تدریج از

رستگاری برسیم. خداوند با عمل پرفیض خود، از مردم می‌خواهد نجاتی را که در مسیح است با ایمان قبول کنند. او از همه دعوت می‌کند، اگرچه می‌داند که عده‌ای آن را نمی‌پذیرند (خاچیکی، ۱۹۸۲م، ص ۹۳).
۳. تجدید حیات: با قبول دعوت الهی و امید به او، روح‌القدس در قلب انسان حیات نویی را می‌دمد (قرنیتان ۱۵: ۵۱) و تجدید حیات رخ می‌دهد (هورن، ۱۳۶۱، ص ۸۲)؛ یعنی نفس بعد از آن، به جای تمایل به شرارت و بدی، به قداست متمایل گشته، حیات الهی در او متبلور می‌گردد (لامیرکانی، ۱۸۸۸م، ج ۲، ص ۳۳۰) و عادل شمرده می‌شود (تیسین، بی‌تا، ص ۲۶۱). در نتیجه، شخص عضو جدیدی از اعضای خانواده خدا و فرزند او می‌گردد (خاچیکی، ۱۹۸۲م، ص ۹۷؛ فرلای، ۱۳۶۱، ص ۸۲) و با جسمی تازه، که فناپذیر و از بین نرفتنی است، وارد ملکوت الهی می‌شود و شایستگی زندگی جاوید را پیدا می‌کند (قرنیتان ۱۵: ۵۰) و از برکات آن استفاده می‌نماید (تیسین، بی‌تا، ص ۲۷۳؛ فرلای، ۱۳۶۱، ص ۸۲). بنابراین، تا انسان‌ها به واسطه فیض الهی از نو متولد نشوند، نمی‌توانند ملکوت خدا را مشاهده کنند (خاچیکی، ۱۹۸۲م، ص ۶۶-۶۵).

از این رو، می‌توان فرایند دخول در ملکوت، تحقق امید مسیحی و رسیدن به آرامش ابدی را، طبق عقاید پولس بدین شکل نشان داد: نقشه خدا برای رستگاری - برگزیدگی - تجسد - دعوت - تجدید حیات - عادل شمردگی، فرزندخواندگی - برخوردار شدن از حیات جاودانی (دخول در ملکوت و رسیدن به آرامش ابدی) (آزادیان، ۱۳۸۳). بنابراین در مسیحیت، امید با فیض الهی همراه است که خداوند به اراده خود به انسان‌ها اعطا می‌کند.

همچنین یکی دیگر از اعتقادات پولس در مقابل حواریون، که ایمان تنها به مسیح را برای رستگاری و رسیدن به آرامش کافی نمی‌دانستند و بیش از حد بر اجرای شریعت تأکید داشتند، این بود که تنها ایمان است که آرامش را به دنبال دارد، نه ایمان به همراه عمل. به همین دلیل، بسیار تلاش نمود تا آنان را از این گمان که از راه اعمال شریعت نجات حاصل می‌شود، درآورد. در حقیقت، پولس به‌صراحت اعمال شریعت را ناکارآمد توصیف می‌کند؛ زیرا معتقد است آدمی در مقام عمل نمی‌تواند به‌طور کامل حق شریعت را ادا کند. آنچه موجب رسیدن به آرامش ابدی است، عمل کامل به شریعت است، نه ادعای شریعت و از آنجاکه احکام شریعت نیز به‌طور کامل اجرا نمی‌شود (غلاطیان ۳: ۱۰-۱۳)، هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را به‌طور کامل اجرا کند. از این رو، هیچ‌کس از راه عمل به آرامش نخواهد رسید و تنها در پرتو ایمان است که آسایش و راحتی فراهم می‌گردد: «هرکه به مسیح ایمان داشته باشد، هرگز ناامید نخواهد شد» (رومان ۱۰: ۱۱). اندیشه نجات از راه شریعت از دیدگاه پولس، مذهب را به تجارت و داد و ستد تبدیل می‌کند؛ چون «برای کسی که عمل می‌کند، مزدش نه از راه فیض بلکه از راه طلب محسوب می‌شود» (رومان ۳: ۴؛ هوردن، ۱۳۶۸، ص ۱۰-۱۱).

نظریه اخلاق تفکیک شده است، اما امید برای نخستین بار نقش مهمی را در نظریه اخلاق آگوستین ایفا کرد؛ یعنی جایی که به عنوان یکی از سه فضیلت الهیاتی نمایان شد. به گفته آگوستین، فضیلت امید فقط فرع بر ایمان است و رابطه‌ای برابر با عشق دارد. یعنی هیچ عشقی بدون امید نیست و هیچ امیدی بدون عشق نیست و عشق و امید، هیچ کدام بدون ایمان نمی‌توانند باشند (استراتن، ۱۳۸۵، ص ۱۸). همچنین یکی از موضوعات اساسی در تفکر آگوستین، که برگرفته از تفکرات انحرافی پولس می‌باشد، سقوط بشر است. انگاره سقوط، بیانگر این اندیشه است که بشر از جایگاه پاک اولیه خود سقوط کرده است و در ناامیدی و یأس به سر می‌برد و به مدد ابزارها و امکانات خود نیز، نمی‌تواند خود را نجات دهد. از این رو، خدا در حل این بن‌بست، دخالت می‌کند و از سر عشق به بشر، خود را در شخص عیسی مسیح قرار می‌دهد تا او را رهایی بخشد و بار دیگر خانه امید را در او پایه‌ریزی کند. بنابراین، بازخرید موهبتی الهی است و خدا آغازگر فرایند رستگاری و بنیانگذار خانه امید در آدمی است (مک گراث، ۱۳۸۴، ص ۶۳-۶۴).

آکوئیناس از الهی‌دانان مسیحی در میان کاتولیک‌ها، برای ایجاد امید در آدمی، بر نقش اراده در حرکت به سوی خدا به وسیله ایمان و انتقال از حالت گناه و ناامیدی به حالت عدالت توجه دارد و لطف الهی را عامل اصلی ایجاد امید در آدمی می‌داند. وی همانند آگوستین، اراده انسان را برای ایجاد امید در خویش ضعیف نمی‌داند و منکر نیست که انسان بتواند از راه عمل به دستورات اخلاقی عهد عتیق، به ایجاد امید و از آنجا به عدالت دست پیدا کند، ولی در مقایسه با آمرزیدگی موهوبی، آن را اطمینان‌بخش نمی‌داند و بر لطف و آمرزیدگی موهوبی تأکید می‌ورزد (تونی لین، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰-۲۱۴؛ مفتاح، ۱۳۸۵).

اما در عصر روشنگری، اخلاق از الهیات تفکیک شد. به همین دلیل، امید نیز از اهمیت کمتری در علم اخلاق برخوردار گشت. با این حال، سه استثنا بر این گرایش عام به چشم می‌خورد: ایمانوئل کانت، ارنست بلوخ (Bloch) و گابریل مارسل (Gabrie Marcel). در مکتوبات هریک از ایشان به مانند آگوستین، میان امید و اخلاق از یک‌سو، و دین و ایمان از سوی دیگر، ربطی وثیق وجود دارد.

در نگاه‌های سیاسی و اخلاقی ارنست بلوخ و گابریل مارسل، امید نقشی اساسی ایفا می‌کند. بلوخ «امید» را با حسرت و اشتیاق به اتویا «آرمانشهر / ناکجا آباد» مربوط می‌داند. حال آنکه مارسل «امید» را همچون نوعی آمادگی برای استعلا جستن از موقعیت‌هایی می‌داند که آدمی را به تسلیم شدن به ناامیدی و سوسه می‌کنند. نزد هریک از این نویسندگان همانند آگوستین، ارتباط میان امید از یک‌سو،

و ایمان و عشق از سوی دیگر، به قوت خود باقی است. با این حال، کانت و بلوخ، مقولات فوق را مخالف عقل نمی‌دانند، بلکه می‌گویند تا آن مقولات را ذیل عقل بگنجانند (استراتن، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

کانت در نظریه اخلاقی خود، با طرح نظریه اصول موضوعه، برای امید جایگاهی ویژه قائل شد. او نیز به مانند آگوستین بر این باور است که امید و عشق متضمن ایمان اند. به عقیده کانت امید غایی، امید به وصال خداوند نیست، بلکه امید به تحصیل خیر اعلی است که مستلزم قانون اخلاقی است (استراتن، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

ارنست بلوخ، ملقب به فیلسوف امید، که تأثیر عمیقی نیز بر مکتب فرانکفورت داشت، امید دینی و آرمانشهرهای دینی، خاصه آرمانشهر مسیحی ملکوت خداوند را، عالی‌ترین ظهور ناخشنودی و عصیان علیه وضع موجود می‌داند. در حقیقت، بلوخ در اندیشه منجی‌ای است که انتظار دارد در آینده‌ای دور، از ذات هستی برون جهد و وظیفه آدمی آن است که در جهت کمک به این منجی، نیروهایش را گرد آورد و خود را از چنگ واقعیت برهاند (همان).

مارسل معتقد است امید راهی برای رهایی از تنگنای زندگی (مرض، جدایی، غربت و بندگی و...) و نجات از سختی‌های آن است؛ چراکه این تنگناها و رنج‌ها، خود علت و انگیزه بالقوه ناامیدی هستند و آدمی در چنبره آنها، خود را می‌بازد و به ورطه ناامیدی فرو می‌افتد. مارسل به امید همچون ترجمان منزلت انسانی نیز می‌نگرد؛ یعنی به عنوان راهکاری برای استعلا جستن از تمنیات و امیال شخصی و در انتظار طرحی مشترک بودن. در اینجا امید از نفع شخصی استعلا می‌جوید؛ چراکه ارتباط من با شخص (یا اشخاص) دیگر، که به ایشان امید بسته‌ام، ارتباطی ابزاری نیست، بلکه ارتباطی اخلاقی و مشترک با جمع است. مارسل چنین امیدی را بیشتر در برابر زمینه ایمان به خدا قرار می‌دهد (استراتن، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

از دیدگاه پلاگیوس، راه ایجاد امید، در درون بشر قرار دارد. هریک از افراد بشر استعداد این را دارد که امید را در خود ایجاد و پرورش داده و خود را رستگار سازد. چنین نیست که آنان در دام گناه و ناامیدی افتاده باشند، بلکه می‌توانند هر چیزی را که برای رستگاری خود لازم است، انجام دهند و امید خویش را تقویت نمایند؛ چراکه انسان آزادی کامل دارد و سقوط آدم، تنها در خودش تأثیر داشت، نه در دیگران (هوردن، ۱۳۶۸، ص ۲۱). در نگاه پلاگیوس، رستگاری و رسیدن به آرامش ابدی، به واسطه اعمال نیک به دست می‌آید. همین خواسته خداوند از بشر است و آدمی باید به واسطه اعمال نیک، روح امید را در خویش تقویت نماید. اما این عقیده در شورای کارتاژ در سال ۴۱۸ محکوم شد (مک‌گراث، ۱۳۸۴، ص ۶۶-۶۵).

در نگاه *مارتین لوتر*، بنیانگذار مذهب پروتستان نیز رسیدن به آرامش ابدی از راه ایمان و امید است. مراد *لوتر* از آموزه ایمان، به تعریف او از ایمان مربوط می‌شود. ایمان یعنی اعتقاد به این نکته که مسیح زاده شد و به واسطه عمل نجات، امید را در بشر ایجاد نمود و دیگر اینکه ایمان، یعنی اعتماد به وعده‌ها و امیدهای خداوند که معترفان را می‌بخشد (براون، ۱۳۷۵، ص ۳۶-۳۷؛ مک‌گراث، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴-۲۳۸). این آموزه، اساس و محور نهضت اصلاح دینی او بود. او می‌گفت: همراه با *پولس* بیان می‌کنیم که به وسیله ایمان عادل شمرده می‌شویم و به آرامش ابدی نائل می‌گردیم، نه به وسیله شریعت یا محبت. البته نه بدین معنا که منکر اعمال نیک باشیم، بلکه به دلیل آنکه ما نمی‌توانیم خود را از شیطان برحذر داریم (تونی لین، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰). عادل‌شمردگی توسط ایمان، به معنای این است که بر اساس صلیب مسیح، می‌توان امید داشت که به انجام کارهای نیکو توانا گردیم ولی کارهای نیکو، به منظور کسب تأیید الهی و پذیرفته شدن از سوی او نیست، بلکه واکنش داوطلبانه و محبت‌آمیز فرزندان خدا نسبت به او به‌شمار می‌آید (تونی لین، ۱۳۸۶، ص ۲۶۶). اما بعدها شورای ترنت، که نوزدهمین شورای جهانی کلیسای کاتولیک تلقی می‌شود، در واکنش به نهضت اصلاح دینی، به ویژه اظهارات *لوتر*، بارها این مسئله را تکرار نمود که کسی نباید به امید تنها، دل‌خوش کند و گمان نماید که تنها با امید و ایمان محض به میراث خواهد رسید. گویی انجیل وعده محض و مطلق زندگی ابدی، بدون شرط رعایت احکام بوده است (همان، ص ۳۶۸-۳۷۲).

مارتین لینگر ایمان و امید و محبت را سه حالت متفاوت میل و دلبستگی انسان به عالم دیگر، جهان آخرت می‌داند. در این میان، برای امید، نقش ویژه‌ای قائل است. در اندیشه او، فضیلت امید بدین معناست که زندگی انسان را سفری بدانیم که به حقیقت نامتناهی و رضایت‌مندی ابدی می‌انجامد، بدین شرط که امکاناتی که در توانایی ماست تحقق یابد. بدین غایت نه فقط پس از مرگ، بلکه در همین زندگی می‌توان دست یافت گرچه در دوره کنونی زندگی بشر، تنها عده اندکی در همین جهان بدان وصول می‌یابند (استراتن، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

بنابراین، متعلق اصلی امید در *اناجیل* سه‌گانه و نیز *تعالیم پولس*، وعده فرارسیدن ملکوت است که مرتبط با هدفمندی حیات بشر و در راستای زندگانی اخروی اوست. البته معنای اصلی ملکوت در کلام *پولس*، همان مُلک و مملکت است که از آن خداوند و عیسی مسیح است و از دیگر معانی ملکوت، که در *اناجیل* سه‌گانه ذکر شده، سخنی به میان نمی‌آورد. همچنین در *تعالیم پولس*، تا انسان‌ها به واسطه فیض خدا از نو متولد نشوند، نمی‌توانند ملکوت خدا را مشاهده کنند. بنابراین،

تنها ایمان است که آرامش را به دنبال دارد، نه ایمان به همراه عمل صالح. درحالی‌که از منظر *اناجیل* سه‌گانه امید، آدمی را به سوی صبر (یعقوب: ۵-۹؛ متی: ۵: ۱۲)، ارتباط با خالق (دعا) (یعقوب: ۵: ۱۶) و نیز ارتباط با خلق (محبت) سوق می‌دهد.

در *تعالیم یوحنا* نیز امید به خداوند و انتظار بازگشت به سوی او، یکی از مهم‌ترین مفاهیم جهت القای روح امید در میان مردم است. مسیح، عامل ایجاد امید است و هرکس به خداوند امید دارد، باید به مسیح نیز امید داشته باشد. از آثار و کارکردهای چنین امیدی، تقویت روح محبت و احسان به سایرین است.

۳- امید در قرآن کریم

مسئله «امید» و امیدواری به آینده در قرآن کریم، بارها و به شیوه‌های گوناگون بیان گردیده و قرآن، این نسخه شفافبخش الهی (یونس: ۵۷)، بارها انسان را به امید و امیدواری ترغیب و تشویق نموده است. تفکر در قصه‌های قرآن، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که یکی از اهداف بیان این قصه‌ها، تحکیم روح امید در دل اهل ایمان بوده است: «وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ» (هود: ۱۲۰) و خداوند از طریق بیان زندگی این انسان‌های نمونه، که مظهر کامل و تام آسمای نیکوی الهی می‌باشند، به پرورش روحیه امید و تقویت آن در سایر افراد بشر می‌پردازد. البته امیدبخشی قرآن کریم، تنها در دایره دنیا محدود نمی‌شود، بلکه آخرت آدمی را نیز فرامی‌گیرد. بشارت به بهشت، امیدی است که قرآن کریم برای زندگی جاودان آخرت مطرح می‌سازد و با بیان جزئیات آن، شوق مؤمنان را برای رسیدن به آن بیشتر می‌کند (توبه: ۲۱ و ۲۲). اگر از دوزخ هم سخن به میان آمده، برای این است که انسان‌ها برای رسیدن به بهشت تلاش کنند و زاد و توشه لازم را برای سفر آخرت فراهم آورند. قرآن کریم برای آنکه تیرگی یأس و ناامیدی را از دل مؤمنان بزدايد، از زبان پیامبر بزرگی چون *یعقوب* ﷺ می‌فرماید: «وَلَا تَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷).

اما زیربنای امید در قرآن کریم، در ارتباط با الله است. از سوی دیگر، امید نیز در راستای تکامل انسان است که این تکامل از منظر قرآن، به سوی خلیفه الهی و جانشینی خدا در روی زمین است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)، از این رو، امید واقعی نیز در راستای تجلی این صفت الهی نهادینه شده در وجود بشر می‌باشد و آدمی موظف است در راستای دستیابی به این امید راستین، به سایر امیدها و اهداف دنیوی خویش روی آورد. تنها در این صورت است که در این دنیای

وحشت‌زا و هراس‌انگیز امروز و در کشاکش عوامل و موانع فراوان شیطانی و نفسانی، آرامش واقعی پدید می‌آید و حیات واقعی محقق و راه رسیدن به کمال سهل و آسان می‌گردد.

یکی از متعلقات امید در قرآن، امید به برخورداری از رحمت الهی است. پیامبران، اولیای خدا و مجاهدان در راه حق، همواره به رحمت الهی چشم امید دوخته‌اند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ» (بقره: ۲۱۸)؛ چراکه خداوند خیر محض و فیاض علی‌الاطلاق است و گستره رحمت او وسیله‌ای برای نجات و رستگاری انسان است. به همین دلیل، بارها سفارش کرده که از رحمت او ناامید نشوید: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (زمر: ۳۹) و همواره در انتظار آن باشید؛ چراکه رحمت خداوند از تمامی آنچه که انسان‌ها برای خود جمع می‌کنند، برتر و بالاتر است «كَمَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٍ خَيْرٍ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (آل‌عمران: ۱۵۷) و تنها گمراهان و کافران از رحمت او ناامیدند «وَمَنْ يَقْنَطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر: ۵۶)، بی‌تردید، چنین افرادی عذابی دردناک در انتظارشان است (عنکبوت: ۲۳). خداوند مؤمنان را با صفت امیدواری به رحمت خدا می‌ستاید و ناامیدی از رحمت خدا را به کافران نسبت می‌دهد (یوسف: ۸۷).

یکی دیگر از متعلقات امید در قرآن، آرزوهای موهوم و خیالی است که در پرتو انداختن آدمی در گرداب لذات دنیوی، مانع رسیدن او به کمال می‌شوند. خداوند سبحان در سوره هود به بیان‌گوشه‌ای از این آرزوها پرداخته و با بیان سرانجام ایشان، آدمی را از داشتن آن منع می‌کند: «فَأَلَوْا يَاصَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهِنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ» (هود: ۶۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۵).

به‌طور کلی امید در قرآن کریم تنها در برخی موارد در دایره دنیا محدود می‌شود و در بیشتر مواقع، آخرت آدمی را فرامی‌گیرد. از این‌رو، بر اساس آفات آن، دارای مراتبی است که پایین‌ترین آن، رجای نفسانی است و کسانی که نسبت معرفتی آنان به خداوند بسیار ضعیف است، در این مرحله و مرتبه قرار دارند. درخواست‌های ایشان نیز زاهدانه و از خدا جز مناصب دنیوی یا شهوات نفسانی نمی‌خواهند. اگر درخواستی داشته باشند، از بهشت‌خواهی و رهایی از دوزخ تجاوز نمی‌کنند، اما کسانی که خداوند سبحان را به عظمت شناخته‌اند، سوز آنان از فراق اوست. آنچه در آنان نمود دارد، شوق لقای خدا و رجای دیدار اوست.

بنابراین، با توجه به آنچه گذشت، می‌توان به این نکته دست یافت که گرچه امید در قرآن کریم، ماهیتی مثبت و پسندیده دارد، اما از آنجاکه عوامل پدیدآورنده آن (متعلقات) و موانع به هم زننده آن، ممکن است ماهیتی حقیقی و یا کاذب داشته باشند، می‌توان به تقسیم آن به‌صورت زیر پرداخت:

۱. امید مطلوب، صادق و حقیقی

این نوع امید، مربوط به اموری است که در جهت رضای الهی و هماهنگی با واقعیت وجودی انسان است و به دو گونه در قرآن مطرح گردیده است: امید به آخرت و برخورداری از رحمت الهی (عموم مؤمنان، به آخرت و رحمت الهی امید دارند (بقره: ۲۱۸)) و امید به لقای خدا (مؤمنان خاص و انسان‌های کامل، امیدشان به لقای الهی است) (کهف: ۱۱۰).

۲. امید نامتلوب، کاذب و مجازی

این نوع امید مربوط به اموری است که رضای الهی در آن لحاظ نمی‌گردد و حاصل وسوسه‌های نفس یا القانات شیطان است؛ اموری همچون آرزوها و تصورات موهوم دنیوی (هود: ۶۲؛ نور: ۶۰).

اما قرآن کریم جهت القا و تقویت امید آدمی، راهکارهایی را نیز ارائه نموده است. القای انرژی روانی لازم برای تعقیب هدف، یکی از این راهکارهاست. به عبارت دیگر، اگر برای دستیابی به هدفی مشخص، انرژی روانی نیرومندی وجود داشته باشد، شرایط مناسبی به‌وجود خواهد آمد تا انسان در تلاش برای به‌دست آوردن راه‌های درستی برای وصول به هدف برآید. این انرژی روانی در قرآن، ایمان و اعتقاد کامل به خداوند است. قرآن درباره افرادی که به خداوند ایمان کامل داشتند و از دشمنان نهراسیدند، می‌فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف: ۱۳) و افزودن هدایت به سبب داشتن روحیه معنوی ایشان است و خداوند در قرآن، بارها مؤمنان را به روح الهی تأیید کرده است (مجادله: ۲۲).

یکی دیگر از شیوه‌های تربیتی قرآن برای تقویت امید انسان، تأسی و اقتدا به اسوه‌های قرآنی است «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ» (ممتحنه: ۶)؛ چراکه آدمی برای دستیابی به مطلوب خود، باید به دنبال الگو و نمونه‌ای باشد تا امید به آینده، امیدی واقعی و سرشار از حقیقت جلوه کند. از این میان، انبیا و اولیای الهی که انسان‌های کامل به شمار می‌روند، مصداق بهترین الگو شمرده می‌شوند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ» (انعام: ۹۰). هریک از ویژگی‌های شخصیتی این بزرگواران، می‌تواند سبب تقویت امید آدمی گردد. پس از ایشان نیز آدمی به الگوگیری از امامان و ائمه معصوم علیهم‌السلام سفارش شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۵۸).

از سوی دیگر، از منظر قرآن کریم، پیروان ادیان الهی براساس داده‌های کتب آسمانی، معتقد به ظهور منجی انسان‌ها بوده و جهان را به سوی صلح و صفا در حرکت می‌بینند و به فرا رسیدن روزی امید دارند که متقیان و صالحان بر دنیا حکومت کنند: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیا: ۱۰۵). در این راستا، شیعه با الهام و الگوگیری از تعالیم نورانی

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت: امید حقیقی در ارتباط با خداوند است؛ یعنی در رسیدن انسان به خداوند و غرق شدن در عبودیت و پرستش اوست. در حقیقت، امید با ایمان به خداوند و عشق به او در آدمی ایجاد و به‌واسطه رحمت الهی و تجلی صفات او در بشر تقویت می‌شود. همچنین در پرتو شناخت هدف اصلی زندگانی و آشنایی با افکار مانع و مخرب و مبارزه با آمال و آرزوهای واهی، می‌توان به حفظ و ابقای آن امیدوار بود. البته هریک از ادیان اسلام و مسیحیت، راه و روش مخصوصی را برای القا و تحکیم امید آدمی ارائه داده‌اند.

از منظر قرآن کریم، وحی و دین برای ایجاد امید در بشر آمده تا به تکامل روحی- جسمی و سعادت دنیوی و اخروی او کمک نماید. این امید توسط ایمان و عمل صالح و همچنین پرهیز از ارتکاب معاصی (توبه: ۷۱) محقق می‌شود؛ چراکه از منظر قرآن، امید حقیقی آن است که آدمی را به سوی تلاش و حرکت سوق دهد. بدین‌وسیله آدمی، محل ظهور اسمای الهی می‌گردد و به امید حقیقی و راستین؛ یعنی منزل گزیدن در جوار قرب ربوبی، نائل می‌شود. سایر اهداف همچون اهداف دنیوی نیز باید در راستای نیل به این هدف اصیل باشند.

از دیدگاه اناجیل سه‌گانه، همانند قرآن، آدمی می‌تواند امیدوار باشد که به‌واسطه ایمان به خداوند و پیروی از شریعت و اطاعت محض از نبی خدا، به حیات جاودان و آرامش ابدی نائل گردد. با این تفاوت که قرآن کریم، از حیات اخروی بسیار سخن گفته و مؤمنان را امیدوار می‌سازد که در زندگانی اخروی هیچ‌یک از اعمال نیک دنیوی ایشان از صفحه هستی پاک نمی‌شود (غافر: ۳۹). اما در اناجیل سه‌گانه، از حیات جاودان با نام ملکوت تعبیر شده که دارای معانی گوناگون و متعلقات بسیاری است. اما چون حقیقتی روحانی است که تنها به‌واسطه ایمان، می‌توان بدان رسید، تنها بخشی از آن، واقع در عالم غیب است.

در تفکرات یوحنا، مسیح سرچشمه امید است. ملکوت از آن مسیح است و امید ایمان‌داران به او، به‌واسطه واقعه رستاخیز اوست. در منظر پولس، امید به‌دنبال انگاره سقوط بشر و مفهوم فدا و رستاخیز مسیح ایجاد شد. در نتیجه، این عمل مسیح، ایمان‌داران به او، می‌تواند امید داشته باشند که در برکات زندگی جاوید شرکت نمایند. مشوق و محرک این امید نیز یادآوری محبت مسیح به انسان هاست. بنابراین، در نگاه پولس، امید به‌معنای صبر و انتظار است. این تفکر او، تفاسیر و دیدگاه‌های مختلفی را در مسیحیت به‌دنبال داشت که از این میان، آگوستین هم با وی هم‌رأی بود.

معصومان علیهم‌السلام، به فرا رسیدن روزی امیدوار است که جهان با ظهور حضرت قائم علیه‌السلام از ظلم و بیداد رهایی یافته و از عدل و داد پر شود، زمین برکات خود را ظاهر کند و تهیدستی یافت نشود و این، همان تحقق معنای سخن خداوند است که «عاقبت از آن متقیان است» (قصص: ۸۳). چنان‌که باطل از بین رفتنی و حق پایدار و ثابت است (رعد: ۱۷). بی‌گمان ترسیم چنان آینده‌ای روشن، تلاش مؤمنان را در وصول به آن افزون می‌کند و هیچ‌گاه بارقه امید در دل‌های شیعیان خاموش نخواهد گشت. در حقیقت، آنان که دل به این انتظار راستین سپرده و قلبی سرشار از امید به ظهور امام زمان دارند، می‌دانند که دیر یا زود، صالحان حاکمان زمین خواهند بود؛ حق به صاحبانش باز می‌گردد و با محو ستم و بیداد، امر جامعه اصلاح و سامان می‌پذیرد، برای رسیدن به چنین جامعه‌ای، خویشتن را اصلاح نموده و در اصلاح جامعه خود نیز می‌کوشند تا زمینه ایجاد و تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورند. بر همین اساس، آنکه امیدوار حقیقی و منتظر راستین است، هم صالح است و هم مصلح. چنین کسی با اقتدا به دعای مولای خویش، از خدای سبحان چنین می‌خواهد: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تَذِلُّ بِهَا التَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۳).

بنابراین، می‌توان بدین نکته راه یافت که قرآن کریم، علاوه بر ارائه راهکارهایی اعتقادی برای القا امید در آدمی، «امید به خالق یکتا و ایمان به او؛ (اصل توحید)» (نساء: ۱۰۴)، امید به برخورداری از رحمت الهی در جوار او و نیز لقای او به‌واسطه عبور از جهان مادی (اصل معاد) (کهف: ۱۱۰) و الگوگیری از انبیا و اولیای الهی و امید به رسیدن منجی (اصل نبوت و امامت) (جاثیه: ۶)، به ارائه راهکارهایی رفتاری، چه در حوزه فرد و چه در حوزه اجتماع، برای تقویت و تحکیم روح امید در خود و جامعه نیز پرداخته است. اموری همچون تلاوت آیات قرآن، انس با آن و اقامه نماز (فاطر: ۲۹)، تهجد و شب زنده‌داری (زمر: ۹، زکات (بقره: ۴۳)، انفاق (فاطر: ۲۹)، هجرت و جهاد در راه خدا (بقره: ۲۱۸) و به‌طور کلی انجام کلیه اعمال صالح و خداپسند (کهف: ۱۱۰)، به این مهم اشاره دارند. همچنین قرآن کریم به‌عنوان کامل‌ترین کتاب الهی، شاخصه‌هایی برای شناخت امید حقیقی از امید کاذب ارائه نموده که به‌طور مختصر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: انگیزه الهی و خدایی (کهف: ۱۱۰)، همراهی با عمل صالح (فاطر: ۲۹)، همراه بودن با خوف (اسراء: ۵۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۴۰۵)، که در خلال مطالب فوق، به هر کدام از این موارد، اشاره شد. بنابراین، توجه به آیات قرآن کریم، می‌تواند امید حقیقی را در آدمی ایجاد و او را در مسیر تربیت حقیقی و واقعی خویش قرار دهد.

مارتین لوتر، در راستای اکتفا به ظاهر سخن پولس، فقط به ایمان نقش محوری داد. در کلیسای کاتولیک، کتاب مقدس و سنت در کنار یکدیگر معتبرند و عامل اصلی نجات آدمی و ایجاد روح امید در او، لطف الهی است و اعمال نیک و آیین‌های فیض‌بخش به‌عنوان ابزارهای مادی آمرزیدگی دارای جایگاهند.

به هر حال در مسیحیت، عیسی ﷺ نقشی محوری در ایجاد و تحکیم امید ایشان دارد. این آموزه در کنار اعمال نیک، دیدگاه‌های متفاوتی را برمی‌تاباند. در حالی که در قرآن، در کنار ایمان و عمل صالح و انجام دستورات شریعت، ایمان به تمام انبیا و تبعیت محض از پیامبر ﷺ راه القا، تقویت و نیز بقای امید آدمی است که در دیدگاه شیعه این ولایت و محبت، با حبّ و ولایت امامان شیعه ادامه می‌یابد.

منابع

- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، دمشق، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.
- استراترن، فیلیپ (۱۳۸۵)، *دائرة المعارف راتلج. مقاله الهیات امید*، ترجمه مسعود فریامنش، تهران، روزنامه جوان، ۲۸ تیر.
- استید، کریستینفر (۱۳۸۰)، *فلسفه در مسیحیت باستان*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- الامیرکائی، جیمس انس، (۱۸۸۸م)، *نظام التعليم فی علم اللاهوت القويم*، بیروت، مطبعة الامیرکائی.
- آزادیان، مصطفی (۱۳۸۳)، «نقش خداوند در رستگاری انسان از نظرگاه اسلام و مسیحیت»، *معرفت*، ش ۷۸، ص ۲۲-۱۰.
- براون، کالین (۱۳۷۵)، *فلسفه و ایمان مسیحی*، ترجمه طایفه وس میکائیلیان، تهران، علمی و فرهنگی.
- بلوخ، ارنست، ۱۳۹۰، *دیالکتیک و امید*، ترجمه نادر فتوره‌چی، تهران، رشد.
- پلاتینجا، الوین (۱۳۸۱)، *عقل و ایمان*، ترجمه بهناز صفری، قم، اشراق.
- تونی لین (۱۳۸۶)، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، چ سوم، تهران، نشر و پژوهش فرزنان.
- تیسین، هنری (بی‌تا)، *الهیات مسیحی*، ترجمه ط. میکائیلیان، تهران، حیات ابدی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *موجود موعود*، چ پنجم، قم، مرکز نشر اسراء.
- خاچیکی، سارو (۱۹۸۲م) *اصول مسیحیت*، چ دوم، تهران، حیات ابدی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸ق) *اطیب البیان*، چ دوم، تهران، اسلام..
- فرلای، هارولد (۱۳۶۱)، *خلقت تازه*، ترجمه مهرداد فاتحی، تهران، آفتاب عدالت.
- قربانی، عسگر (۱۳۹۰)، *ایمان، امید، محبت در اسلام و مسیحیت*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ.
- لیون دوفر الیسوعی، کنزافیه (۱۹۸۶)، *معجم اللاهوت الكتابی*، بیروت، دارالمشرق.
- محمدیاسمین، محمد (بی‌تا)، *حقیقه ملکوت الله فی الكتاب المقدس*.
- مسترهاکس (۱۳۷۷)، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، *الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامیه .
- مفتاح، احمدرضا (۱۳۸۵)، «مفهوم آمرزیدگی از راه ایمان»، *مجله هفت آسمان*، ش ۳۰، ص ۷۶-۴۷.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مک‌گراث، آلیستر، ۱۳۸۴، *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.
- میبدی، رشیدالدین (۱۳۷۱ق)، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، چ پنجم، تهران، امیر کبیر.
- میلر، ویلیام (۱۳۱۹)، *تفسیرانجیل یوحنا*، تهران، چاپخانه بروخیم.
- نراقی، محمدمهدی (۱۳۸۳ق) *جامع السعادات*، قم، دارالکتب الإسلامیه.
- واتسون، اندراس و ابراهیم سعید (۲۹۸ق)، *شرح اصول الایمان*، چ چهارم، قاهره، دارالثقافة.
- والوورد، جان (بی‌تا)، *خداوند ما: عیسی*، ترجمه مهرداد فاتحی، تهران: کلیسای جماعت ربانی، آموزشگاه کتاب مقدس.
- هوردن، ویلیام (۱۳۳۸)، *راهنمای الهیات پروتستان*، ترجمه طایفه وس میکائیلیان، تهران، علمی و فرهنگی.
- هورن، چارلز (۱۳۶۱)، *نجات‌شناسی*، ترجمه سارو خاچیکی، تهران، آفتاب عدالت.